

اجازه دهید خیلی وارد این نوع مسائلی که هر کدامش کثیرالأضلاع است و باید مدت‌ها وقت گذاشت تا وجوه آن‌را از هم جدا کنیم، نشویم

شماره پرسش: ۷۲۸۴

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۷ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام علیکم دکتر عباسی در یکی از سخنرانی‌هایشان خطاب میفرمایند که جریان فکری صدرائی حاکم در کشور در فتنه ی ۸۸ ناکارآمدی خود را اعلام کرد. دکتر عباسی فرمود فرمود کسانی که عمر خودشان را در قرآن خرد کرده بودند نتوانستند در آن فتنه تصمیم بگیرند و در حمایت از انقلاب و رهبری برآیند و رفتند و کنج خانه نشستند که خب معلوم است رو طرف ایشان با آیت الله جوادی آملی است. ایشان در طی سخنان خود به شخص حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله خرده میگیرد و این مطلب را از این بزرگوار مطالبه میکند. و در ادامه میفرماید مرجع تقلیدی مثل آیت الله نوری همدانی به سان یک بسیجی به صحنه می آید و حتی شعار هم سروده که میگوید خامنه ای کوثر است دشمن او ابتر است. ایشان با مطرح کردن این بحث میخواستند بفرمایند این همه وقت گذاشتن روی مباحث حکمی و فلسفی صدرائی به انسان فرقان نمیدهد و اگر انسان فرقان نداشت قوه ی تشخیص حق از باطل را ندارد و مباحث فلسفه صدرائی حکمت نیست و از همین روست که در فتنه ی ۸۸ عده ای طرفدار جریان صدرائی کنار میکشد. می فرمایند حکمت را خدا میدهد. که خب به قیاس ایشان هم دقت کردید که شخص آیت الله جوادی رابا شخص آیت الله نوری همدانی در موضع گیری سیاسی قیاس میکند. آقای دکتر عباسی در مباحث طرح ریزی استراتژیکی اشان در خصوص فلسفه نوک پیکان را همیشه متوجه آیت الله جوادی آملی میکنند که اگر سخنرانی‌هایشان را دقت کنید متوجه این امر میشوید. البته بای بگویم بغض ایشان نسبت به فلسفه است نه به شخص آیت الله جوادی آملی. چون خیلی جاها از علامه حسن زاده و آیت الله جوادی با احترام یاد میکند و ایان را مردان بزرگی میدانند همانطوری که گفته بود کتاب مفاتیح الحیات کتابی خوبی است برای سبک زندگی. از طرفی دیگر هم من تا به حال ندیده ام که کسی باایشان مناظره کند و حقانیت فلسفه اسلامی را اثبات کند. از همین رو خودشان در سخنرانی‌هایشان میفرمایند این همه گفتیم و داد زدیم که فلسفه مشکل دارد هیچ کسی جرأت نکرد که بیاید با ما مناظره کند سوال اول: موضع گیری آیت الله جوادی آملی در فتنه ۸۸ چگونه بود؟ سوال دوم: چرا برای یکبار هم که شده کسی جواب دکتر عباسی را نمیدهد تا ایشان به اشتباه خود در زمینه فلسفه پی ببرند. آیت الله جوادی تا چه زمانی میخواهد سکوت کند حداقل به نظر شما نباید یکبار به این بحث بپردازند سوال سوم: آقای رحیم پور ازغدی که چند وقت پیش گفته بود حوزه های علمیه ی نجف - مشهد و قم حوزه های منفعلی هستند و منظورشان این بود که هیچ برنامه ای برای سبک زندگی مردم ندارند. ایشان در یک سخنرانی تاکید

کردند که اکثر طلبه ها مدام در فضاهای سلوکی هستند و حرف از عرفان و عشق به خدا و ... میزنند . ایشان تاکید کرد که این حرف ها خیلی خوب و زیبا و الهی است ولی هیچ کسی هیچ برنامه ای نمیدهد که به مردم یاد بدهد چگونه به این مفاهیم برسد و آنها را عملی کند . تا چه زمانی باید صبر کرد که از درون فلسفه صدرائی فلسفه مضاف در بیاید و سیستم ها و زیر سیستم های جامعه ی ما را اداره و احاطه کند . در ضمن من خودم به شدت طرفدار و علاقمند به فلسفه و عرفان اسلامی هستم .
با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده نیز حیفم می‌آید وقت خود را صرف این مباحث بکنم چه رسد بزرگانی که می‌توانند وقت خود را صرف کارهای بزرگی جهت ایجاد زیرساخت‌های تمدن اسلامی بکنند. البته بعداً آقای عباسی آن قسمت نفی فلسفه‌ی صدرائی را تکذیب کردند. بنده نظر خود را در رابطه با موضع‌گیری آیت‌الله جوادی «حفظه‌الله» در رابطه با فتنه‌ی ۸۸ و آن نوع بی‌انصافی‌هایی که نسبت به ایشان شد را عرض کرده‌ام. اجازه دهید خیلی وارد این نوع مسائلی که هر کدامش کثیرالأضلاع است و باید مدت‌ها وقت گذاشت تا وجوه آن‌را از هم جدا کنیم، نشویم. زیرا به گفته‌ی مولوی: «عقده را بگشاده‌گیر ای منتهی عقده‌ی سخت است بر کیسه‌ی تهی». موفق باشید